جلسه: 413 | تاریخ تصویب: 14 بهمن 1376 | تاریخ ابلاغ: 6 اسفند 1376 | شماره مصوبه: 1040

اصول و مبانی و روشهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف

اصول و مبانی روشهای اجرایی در مساله گسترش فرهنگ عفاف و حجاب برای آنکه روشهای اجرایی دستگاههای مختلف در اهتمام به تقویت عفاف و حجاب، منطقی و جامع و هماهنگ و تابع یک سلسله اصول و مبانی باشد. به این اصول و مبانی فهرست ‏وار اشاره می‏ شود:

1-عفاف و حجاب از نتایج و مظاهر ایمان و تقوی است. بنابراین برای تقویت آن باید در درجه اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی افراد جامعه که در حکم روح و ریشه اخلاق و رفتار آنان است، توجه شود.

2-در توسعه فرهنگ عفاف و حجاب، لازم است به تحکیم ارزشها و مفاهیم اخلاقی خاصی از قبیل شرم و حیا و آزرم و غیرت که با عفاف و حجاب رابطه نزدیک و بی‏ واسطه دارند و خود از ثمرات ایمان و تقوی محسوب می‏ شوند و نیز به آموزش احکام شرعی مربوط به عفاف و حجاب و آموزش صحیح رفتار زن و مرد با یکدیگر در جامعه و خانواده توجه کافی مبذول شود.

3-توضیح و تبیین دایمی فلسفه و فواید عفاف و حجاب در زندگی فردی و اجتماعی و بیان آثار و نتایج سوء عدم رعایت عفاف و بی‏ حجابی برای درک حقیقت عقلانی و منطقی عفاف و حجاب امری ضروری است.

4-عفاف و حجاب یک امر تربیتی خانواده است و تربیت خانوادگی در تثبیت فرهنگ عفاف و حجاب در اندیشه و روح افراد، نقش اصلی و عمده را ایفا می‏ کند.

5-لازم است توجه عموم افراد، خصوصاً جوانان به نقش عفاف و حجاب در ایجاد هویت فرهنگی و ملی مستقل برای کشور و ملت و همچنین به آثار مثبت سیاسی این استقلال جلب و مقاصد دشمنان در ترویج فرهنگ برهنگی که خود یکی از راههای تهاجم فرهنگی است با ذکر شواهد و نمونه‏ های تاریخی تشریح شود.

6-ضروری است به ریشه‏ها و زمینه‏ های اجتماعی و اقتصادی ضعف عفاف و حجاب از قبیل روحیه اشرافی‏ گری و تجمل‏ پرستی از یک سو و فقر و استیصال مادی از سوی دیگر و نیز دشواریهای موجود بر سر راه ازدواج شرعی و قانونی و تشکیل خانواده توجه شود و با مبارزه و مقابله با این ریشه ‏ها و انگیزه ‏ها موجبات ترویج و توسعه عفاف و حجاب فراهم شود.

7-در توسعه و ترویج عفاف و حجاب باید بر فعالیتهای فرهنگی، آموزشی و تبلیغی تاکید شده سعی شود فضای اجتماعی و فرهنگی جامعه و محیط به نحوی ساخته شود که افراد به صورتی طبیعی در آن فضا به رعایت عفاف و حجاب رغبت نمایند و بدان عادت کنند و از کارهایی که موجب بدبینی نسبت به اسلام و نظام اسلامی گردد پرهیز شود.

8-در توسعه و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب نباید تنها زنان، مخاطب قرار گیرند و نقش و مسئولیت مردان فراموش شود بلکه باید عفاف و حجاب به عنوان امری که به هر دو جنس زن و مرد مربوط می ‏شود، تلقی شود.

9 -لازم است در معرفی اسوه‏ ها و الگوها در جامعه، به عفاف و حجاب به عنوان یک ارزش، عنایت کافی شود و در تبلیغات و نیز در آثار ادبی و هنری شان و منزلت انسانی زنان و ارزش حجاب مورد توجه قرار گیرد.

10-تبلیغ عفاف و حجاب باید چنان باشد که خود موجب بدآموزی و اشاعه فحشا نشود و دراین امر، می‏ باید مقتضیات سنی، روحی و فرهنگی مخاطبان موردتوجه قرار گیرد.

11-در توسعه فرهنگ عفاف و حجاب لازم است میان فعالیتهای فرهنگی، ارشادی و اجرایی، همسویی و هماهنگی وجود داشته باشد و برنامه‏ ها و اقدامات انجام‏ شده به صورتی مستمر مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد.

12-در تبلیغ و ترویج عفاف و حجاب باید بیشتر به جنبه ‏های مثبت تکیه شود و شیوه ‏ها و طرز بیان دوستانه و مودبانه به کار گرفته شود و واکنش نسبت به عدم رعایت عفاف و بی ‏حجابی باید تابع مقررات و محدود به حدود قانون باشد و از برخوردهای خشن و اهانت ‏آمیز خودداری شود.

13-مدیران و مسئولان باید از آگاهی و حساسیت لازم نسبت به مساله عفاف و حجاب برخوردار باشند و مخصوصاً باید به آموزش صحیح مجریان تبلیغ و پاسداری از عفاف و حجاب اولویت داده شود.

14-در شهرسازی و معماری باید فرهنگ عفاف و حجاب مدنظر قرار گیرد و محیط کار و نوع برنامه ‏ها و استفاده از وسایل و امکانات به نحوی نباشد که خود موجب اختلاط نامناسب زن و مرد شود.

15-در ترویج فرهنگ عفاف و حجاب باید به نوع کار و شرایط مقتضیات محیط زندگی و خصوصیات اقلیمی و سنتها و آداب محلی و منطقه ‏ای مربوط به لباس و پوشش، با رعایت اصل حکم فقهی حجاب توجه شود و ضمن قایل شدن حرمت و احترام برای چادر به عنوان کاملترین و رایج ‏ترین نوع حجاب و تشویق آن به دور از افراط و تفریط، از الزام همگان به استفاده از یک نوع، رنگ و شکل خاص خودداری شود. (مراکز اداری، آموزشی و درمانی تابع ضوابط خاص خود می ‏باشند).

16-به موازات اهتمام نسبت به عفاف و حجاب و تبلیغ و ترویج آن باید تدابیری اتخاذ شود تا چادر و انواع لباسهایی که استفاده از آنها لازمه رعایت عفاف و حجاب است به آسانی و با هزینه ‏ای معقول و منطقی قابل تامین باشد. این اصول در 16بند در جلسه 413 مورخ 76/11/14 شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید.